



حجاب؛ یعنی پوشش سالم برای حفظ زن

حجاب برای زن به معنای ذات زن نیست، بلکه به معنای عصمت و حفظ زن است و نه فقط عصمت و حفظ زن، بلکه عصمت و حفاظت زن و مرد هر دو ... حجاب به معنای چادر نیست، اما چادر من نزد ما ایرانی‌ها که زن‌های ما از قدیم داشتند، بهترین نوع حجاب است، بدون چادر هم حجاب ممکن است، حجاب به معنای پوشیدن سالم نه پوشیدنی‌کی از نیوشیدن پتدر است.به تغییر روایات پوشیده عریان که در عین پوشیدگی مثل انسان برهنه و عریان است، آن پوششیدن به درد نمی‌خورد، حجاب نیست؛ پوشیدن سالم که سر و مو و گردن و بدن و تمام سسر تا پای بدن زن را پوشانده باشد. البته صورت و دو دست را بسیاری فقها مستثنی می‌دانند و برخی مستثنی نمی‌دانند و آنهایی هم که مستثنی می‌دانند، به شرطی است که صورت بدون آرایش و ساده باشد.

حجلبه زبهای ایرانی روش چادر را پیدا کرده‌اند که بسیار هم روش خوبی است و هم زیباییست و منافای با زیبایی زن نیست و هم حفظ کامل است.

به به حال حجاب را چه به شکل ایرانی، چه به شکل عربی، چه به شکل کشورهای دیگر که در هر یک از کشورهای اسلامی، زن‌ها یک جور حجاب خود را حفظ می‌کنند، هر جوری که حجاب حفظ بشود، این نظر اسلام تأمین شده است، این یکی از پیشگیری‌های اسلام است.

✽ خطبه‌های نماز جمعه؛ ۱۳/۵/۱۴۵۷؛ روزنامه رسالت

در محضر امام خمینی (ره)

باید بر عکس خواست دشمنان عمل کنم

بعد از آنکه شاه فرار کرد و انقلاب مردم به اوج خود رسید، امام در پاریس بودند و ما هم میل داشتیم که امام به ایران تشریف بیاورند، چون می‌ترسیدیم نکند خدای نکرده به جان ایشان صدمه‌ای وارد بشود، چون آنچه که مهم بود حفظ جان امام عزیزمان بود و امام در عین حالی که در پاریس تشریف داشتند در عین حال تماس برقرار بود. پیام‌ها، مصاحبه‌ها و اعلامیه‌هایشان مرتب می‌رسید. یک روز صبح زود اول اذان بود مرحوم استاد شهید آیت‌الله مطهری به منزل ما تلفن کردند و گفتند دیشب از پاریس به من تلفن شده که امام تصمیم دارند به ایران بیایند و فرموده‌اند یک منزل محقری که ساختمانش نو نباشد در قسمت پایین شهر تهران برای من اجاره کنید که من می‌خواهم پیام تهران. این خانه جایی باشد که مردم بتوانند بیایند ولیکن خانه، خانه اعیانی نباشد و در محل پایین هم نباشد، در میان توده مردم. من آن موقع خیلی ناراحت شدم، به ایشان عرض کردم که تلفن کنید حتی‌المقدور فشار بیاورید که امام تشریف نیابورند چه اینکه امام آنجا که هستند الان دستورات را صادر می‌فرمایند، پیام‌های ایشان هم می‌رسد، مبارزه را رهبری می‌کنند و جان خودشان به خطر نمی‌افتد. گفتند هیچ چیز نمی‌تواند در اراده ایشان اثر بگذارد. امام تصمیم گرفتند قاطعانه بیایند و بعد که من خودم از امام سؤال کردم، امام فرمودند: بله من وقتی حس کردم دیگر کار از دستت رژیم در رفته، رشته از دست آمریکا در رفته، تمام دشمن‌ها به من اصرار دارند که شما فعلاً یک ماه دیگر نروید. آمریکا با واسطه‌طه، رژیم با واسطه و ایادی رژیم با واسطه این را به من می‌گویند. من فهمیدم که الان مصلحت در رفتن من است و آن چیزی که دشمنان می‌خواهند باید به عکس آن عمل کنم و تصمیم گرفتم که حرکت کنم.

✽ آیت‌الله شهید محلاتی- روزنامه اطلاعات- ۶۱/۱۱/۱۴

استفتاء

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

تطهیر قالی

(س) امروزه پشت قالی‌ها موادی می‌زنند تا فرش محکم باشد، حال قسمستی از فرش با ادرار کودک نجس شد و شستی زیر فرش گذاشتیم و با شلنگ متصل به آب شهری روی فرش آب ریختم به گمان اینکه آب از فرش عبور کرده، بعد از اینکه کمی با دست محل را فشار دادم، شیر آب را بستم و هنگامی که تشت را نگاه کردم دیدم اصلا آبی از فرش عبور نکرده، حال فرش هنوز نجس است یا پاک شده؟
(ج) اگر نجاست به داخل فرش نفوذ نکرده و ظاهر فرش نجس شده است، به صورت مذکور فرش پاک شده است و اگر به داخل فرش فرو رفته است، در صورتی که مطمئن باشید آب به همان محل نفوذ کرده و جابه‌جا شده است، پاک شده است.

ماه گرفتگی

(س) اگر ماه گرفتگی در برخی کشورهای دیگر کامل باشد ولی در ایران به صورت جزئی دیده شود، آیا احکام ماه گرفتگی کامل در ایران باید رعایت شود؟

(ج) در ایران حکم ماه گرفتگی جزئی را دارد.

عمل به وصیت میت

(س) بعد از سسی سال وصیت‌نامه‌ای از یک میت پیدا شد که نوشته بود مبلغ ده هزار تومان بابت نماز و روزها بدهید؛ سؤال این است که آیا باید این مبلغ را به قیمت روز حساب کنیم یا مطابق قیمت سی سال پیش برای اجرای وصیت اقدام کنیم؟

(ج) اگر مبلغ مذکور بیش از ثلث ترکه میت نبوده است، باید به مقادری که در زمان فوت انجام نماز و روزه ممکن بود - مثلاً ده سال - اکنون نماز و روزه انجام دهند.

خمس مال قرض داده شده

(س) پولی قرض دادم تا قبل از سال خمسی به من برگرداند ولی عمداً پس از سال خمسی برگرداند و مجبور شدم که خمس آن را بدهم، آیا قرض گیرنده ضامن خمس است؟

(ج) قرض گیرنده، ضامن مبلغ خمس نیست.

حلیت خاویار

(س) آیا خاویاری که از ماهی فلس دار مرده به دست می‌آید، حلال است؟

(ج) حلال است.

نماز فوت شده پدر

(س) شخصی در خواندن نمازهای قضای پدرش تعلل کرده و اکنون مدزور شده استست و نمازهای خود را نیز ننشستنی می‌خواند، آیا بر او واجب است در صورت تمکن، برای نمازهای پدر اجیر بگیرد؟

(ج) اگر امید ندارد بتواند ایستاده بخواند، می‌تواند نشسته بخواند، در هر صورت می‌توانسد برای قضای نمازهای پدر اجیر بگیرد.

تدبیر به معنای عاقبت‌اندیشسی و برنامه‌ریزی با تقدیر به معنای سر نوشت‌گرایی و توحید فعلی چه نسبتی می‌تواند داشته باشد؟
آیا همان طوری که حرکت و تلاش آدمی منافاتی با توکل ندارد، تدبیر و تقدیر با هم تضادی ندارد و انسان می‌تواند در حالی که بر نامه‌ریزی می‌کند به تقدیر هم باور داشته باشد؟
نویسنده در این مطلب با مراجعه به آیات قرآن نسبت و رابطه تقدیر و تدبیر را تبیین و واکاوی کرده است..

✽✽✽

توحید فعلی و تقدیر در اندیشه اسلامی

اندیشه اسلامی بر محور توحید شکل گرفته است. توحید به معنای باور به وحدت در اموری چون الوهیت، ربوبیت، توحید در عبادت، توحید در ذات و صفات الهی و مانند آن، اسلام را از دیگر شرایع و ادیان متمایز ساخته است. همه پیامبران دعوت به توحید داشته و هرگونه شرک را درهر مرتبه و درجه‌ای نفی و با آن مقابله و مبارزه کردند.

یکی از اقسام توحید، توحید فعلی یا افعالی است. بیشتر مردم شاید در این مرتبه دچار نوعی شرک خفی و نهان باشند و ناخوسته گرفتار شرک فعلی یا افعالی هستند؛ زیرا وقتی به حوزه علت و معلولی می‌نگرند، به این نتیجه می‌رسند که مثلا علت سوختن، آتش دراشکال گوناگون آن چون آتش معمولی، انرژی و الکتریسته و مانند آن است. از این روست که علت را در این امور دانسته و برای آن تاثیر استقلالی قائل می‌شوند. در حالی که بر الهی آفریده شده و می‌شود، همچنین هر همه چیز در جهان به امر الهی آفریده شده و می‌شود، همچنین هر چیزی اگر تاثیری دارد، براساس سنت تکوینی الهی است و همان خدایی که برای آن اثری خاص قرار داده می‌تواند از تاثیر گذاری آن جلوگیری به عمل آورد.

به سخن دیگر، در علل‌ها می‌بایست علل طولی را به خدایی رساند که علت علت‌ها است و نیاید برای هیچ چیزی تاثیر استقلالی قائل شد؛ چرا که همه چیز در ذات و اثر وابسته تمام به علت علت‌ها یعنی خدا هستند. پس اگر آتش دارای خاصیت سوزاندگی است و آن را از لوازم ذات آتش بدانیم، ولی تا مشیت الهی و اراده و اذن خداوندی نباشد این اثر و تاثیر نخواهد بود. پس تاثیر هر علت طبیعی زمانی است که این اذن داده شده باشد. البته به‌طور طبیعی خداوند این اذن را داده و در حالات عادی به‌عنوان یک سنت الهی و قانون تکوینی و یا طبیعی این گونه خواهد بود؛ اما این بدان معنا نیست که بیرون از مشیت و اراده خداوند باشد و قانون الهی بر خداوند حاکمیت یابد و خداوند ملزم و مجبور به آن شود، بلکه در همه حال این مشیت و اراده الهی است که حاکم بر هر چیزی است. لذا تا زمانی که خداوند نخواهد و مشیت و اراده نکند در بقا همانند آغاز نیامزند امر الهی است. پس اینکه علتی اثر خاص و تاثیر خود را بگذارد در ایجاد و بقا وابسته به

بررسی ارتباط تدبیر انسان و تقدیر خداوند از منظر قرآن

خداوند به حضرت مریم(س) می‌فرماید: این درخت به اعجاز الهی خرمای تازه داده ولی تو هم حرکتی کن و شاخه آن را بتکان تا خرما بر تو فروریزد. یعنی اگر حرکتی نکنی و درخت را تکان ندهی خرمای مقدر شده به اعجاز، نصیبت نخواهد شد.

✽✽✽

برنامه‌ریزی و تدبیر در زندگی یک اصل مثبت و خواسته و اراده الهی است و همان خدایی که از توحید افعالی و تقدیر در همه امور هستی از جمله امور زندگی انسانی سخن به میان آورده، از انسان‌ها خواسته است تا تدبیر را با تقدیر همراه کنند.

می‌بایست با پذیرش مالکیت و حاکمیت مطلق خداوند در هستی و تقدیر امور، گام‌هایی را به‌عنوان تدبیر امور زندگی خود بردارد؛ چرا که در ارتباط انسان با تقدیر و جهان‌این انسان است که با کارها و رفتار ارادی و اختیاری خود، روابط و سطح آن را تعیین می‌کند. (انفال، آیه ۵۳)
پس اگر بخواهد خود را در تقدیری مثبت و سلازنده قرار دهد می‌بایست بکوشد و تلاش مثبتی از خود داشته باشد. (همان؛ رعد، آیه ۱۱)

دگرگونی در سرنوشت فردی و اجتماعی و تغییر موقعیت بد به موقعیت مناسب و خوب نیازمند جزم و عزم عالی انسان است که بصراحت در این آیات بیان شده است.
خداوند در آیه ۵ سوره یونس از تقدیر حرکت ماه و قدر و اندازه داشتن منازل آن به‌عنوان زمینه‌ساز امکان برنامه‌ریزی برای زندگی و تدبیر نشئون انسان سخن به میان می‌آورد. از این آیه دانسته می‌شود که اصولا برنامه‌ریزی و تدبیر در زندگی یک اصل مثبت و خواسته و اراده الهی است و همان خدایی که از توحید افعالی و تقدیر در همه امور هستی از جمله امور زندگی انسانی سخن به میان آورده، از انسان‌ها خواسته است تا تدبیر را با تقدیر همراه کنند.

انسان‌ها همان طوری که باید اهل تدبیر و برنامه‌ریزی در مسائل روزمره باشند، باید دارای برنامه‌ریزی‌های راهبردی و بلندمدت نیز باشند. از امام حسن مجتبی(ع) روایت است که فرمود: اعمل لدنیاک



از تو حرکت از خدا برکت

خداست؛ زیرا در ذات خود نیازمند به خداست. (نحل، آیه ۲۹، حج، آیه ۶۵، فاطر، آیه ۱۵)

خداوند در آیات بسیاری به مسئله توحید افعالی و نفی تاثیر

استقلالی غیرخداوند از جمله علت‌ها اشاره کرده است. (بقره، آیات ۱۰۲ و ۱۰۳؛ آل‌عمران، آیات ۷۹ و ۱۳۵؛ نساء، آیه ۷۸، مانده، آیه ۷۶)
اینکه چیزی ضرر و زیان (مجادله، آیه ۱۰) یا نفع و سودی برساند

و مثلا بدر کاشته انسان، برپود و گیاه شود (واقعۀ، آیات ۶۳ و ۶۴) و با آری بارور شود و بارانی بیارد و این باران گیاه برپواند (واقعۀ، آیات ۶۸ تا ۷۲) یا مصیبت و منفعتی به انسانی برسد (تغابن، آیه ۱۱ زمر، آیات ۳۸ تا ۴۳)
همه در صورتی استست که تقدیر الهی در آن باشد و آن چیز از سوی خداوند در تاثیرگذاری ماذون باشد.

در همه مراحل از خلق و ایجاد گرفته (اعراف، آیه ۱۹۱، رعد، آیه ۱۶)، تا بزرگترین و کوچکترین امور، این خداوند است که حضور

مستقیم دارد و هیچ چیزی از خود استقلالی در هیچ مرتبه‌ای ندارد. پس حاکم مطلق بر هستی بیرون از خود نیست که قوانین مخلوق او بر خداوند چیره شود و او را محدود سازد. (زمر، آیه ۷۶،بقره، آیات ۱۰۷ و ۱۰۵، آیه ۱۰۳، آیه ۸۳، زمر، آیه ۴)

پس هیچ چیز در آغاز و انجام هستی جز خداوند دخالتی ندارد حتی اگر خداوند برای او مقام علیت و مظهریتی قائل شده باشد (یونس، آیه ۳۴، نمل، آیه ۶۴)؛ چرا که شراکت چیزی در طول به شکل علیت یا مظهریتی هرگز به معنای استقلال یا شراکت در عرض نیست که بخواهد تاثیر مستقلی داشته باشد یا مانع از اراده و اذن خداوندی شود. از این رو می‌تواند آتش را بسردد و سلام سازد بی‌آنکه تاثیر ذاتی یا طبیعی خودش را دارا باشد که سوختن و سوزاندن است. (انبیاء، آیه ۶۹)

تدبیر جهانی از سوی خداوند در همه جزئیات به معنای این است که هیچ فعلی بیرون از دایره حاکمیت و قدرت و حکمت و ربوبیت او انجام نمی‌گیرد. (انعام، آیات ۹۵ تا ۱۰۲؛ زمر، آیات ۴ تا ۶، فصلت، آیات ۹ تا ۱۲؛ رعد، آیه ۱۶)

همین مالکیت مطلق اوست که اجازه نمی‌دهد تا کسی در عرض یا طول به‌طور مستقل دارای فعل باشد، بلکه همه هستی از فرشتگان و دیگر موجودات در حوزه مالکیت انحصاری خداوند هستند. (یونس، آیه ۶۶، انبیاء، آیه ۱۹)

از سوی دیگر در اندیشه‌های اسلامی بر این نکته تأکید شده که هر چیزی دارای مقادیری است که خداوند براساس حکمت قرار داده استست و هیچ چیزی در هستی بیرون از مقدرات الهی شکل نگرفته و او بر خداوند چیره شود و او را محدود سازد. (زمر، آیه ۷۶،بقره، آیات ۱۰۷ و ۱۰۵، آیه ۱۰۳، آیه ۸۳، زمر، آیه ۴)
پس هیچ چیز در آغاز و انجام هستی جز خداوند دخالتی ندارد حتی اگر خداوند برای او مقام علیت و مظهریتی قائل شده باشد (یونس، آیه ۳۴، نمل، آیه ۶۴)؛ چرا که شراکت چیزی در طول به شکل علیت یا مظهریتی هرگز به معنای استقلال یا شراکت در عرض نیست که بخواهد تاثیر مستقلی داشته باشد یا مانع از اراده و اذن خداوندی شود. از این رو می‌تواند آتش را بسردد و سلام سازد بی‌آنکه تاثیر ذاتی یا طبیعی خودش را دارا باشد که سوختن و سوزاندن است. (انبیاء، آیه ۶۹)
تدبیر جهانی از سوی خداوند در همه جزئیات به معنای این است که هیچ فعلی بیرون از دایره حاکمیت و قدرت و حکمت و ربوبیت او انجام نمی‌گیرد. (انعام، آیات ۹۵ تا ۱۰۲؛ زمر، آیات ۴ تا ۶، فصلت، آیات ۹ تا ۱۲؛ رعد، آیه ۱۶)
همین مالکیت مطلق اوست که اجازه نمی‌دهد تا کسی در عرض یا طول به‌طور مستقل دارای فعل باشد، بلکه همه هستی از فرشتگان و دیگر موجودات در حوزه مالکیت انحصاری خداوند هستند. (یونس، آیه ۶۶، انبیاء، آیه ۱۹)

به تقدیر الهی و یا تغییر در برخی از مقدرات- که آن نیز تحت اذن و سنت الهی خواهد بود و اگر بخواهد تاثیرگذار باشد می‌بایست به مشیت الهی انجام گیرد- دعوت می‌کند.

به سخن دیگر، هرگونه فعل و تاثیر- فعلی بیرون از حاکمیت و حکومت و مشیت و ربوبیت و حکمت الهی نیست. اگر خداوند از انسان می‌خواهد که مثلا برای تغییر سرنوشت و تقدیر خود گامی بردارد، این تغییر با فعل انسانی، زمانی تحقق می‌یابد که مشیت الهی به آن تعلق گرفته باشد و به تغییر برای ماذون باشد.

به‌عنوان نمونه اگر سحر و جادو بخواهد تاثیرگذار باشد، می‌بایست در فعل و تاثیر، ماذون از سوی خداوند باشد و گرنه سحر هیچ تاثیری نخواهد داشت. (بقره، آیه ۱۰۲) همچنین معجزات الهی که از سوی پیامبران انجام می‌گرفت هرگز بیرون از اذن الهی نبوده است؛ یعنی پیامبران از جهت هر چه خدا می‌خواست ظاهری پسره نمی‌گرفتند و فرآیند خلقت مثلا مستلثامه یا پرندۀ را می‌پیمودند، ولی این گونه نبود که بیرون از اذن و سبب اصلی باشد و خود به استقلال این کارها را انجام داده یا آثار را تحقق بخشیده باشند. (اعراف، آیه ۷۳؛ آل‌عمران، آیه ۴۹، مانده، آیه ۱۱۹)

جالب اینکه خداوند همواره بر این نکته تأکید می‌کند که انسان

تکانت تعیش ابدا و اعمل لاخرتک
تکنت موتوغذا؛ برای دنیایت چنان کار کن که گویی برای ابد زنده خواهی بود؛
و برای آخرت چنان کار کن که گویی فردا خواهی مرد. (مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۱۲۶، میزان الحکمه، ج ۱ ص ۱۲۹)

بر این اساس انسان باید برای زندگی خودش حتی برای دوره پیری بلکه برای فرزندان برنامه‌ریزی داشته باشد که شامل آموزش و پرورش و کسب روزی حلال و توسعه رزق است.

مقدرات الهی همه موضوعات و مسائل زندگی انسان را در بر می‌گیرد و اموری چون اجل انسان‌ها و جوامع، (آل‌عمران، آیه ۱۴۵؛ واقعۀ، آیه ۶۰؛ کهف، آیه ۵۹)، احکام شرعی (احزاب، آیه ۳۸)، ظهور و افول تمدن‌ها و جوامع (یونس، آیه ۴۹، اسراء، آیه ۵۸)، باران (رعد، آیه ۱۷)، جنین و رشد آن از آغاز تا انجام (حج، آیه ۵)، دوران بارداری (همان)، روز و شب (رعد، آیه ۲۶)، رویش گیاهان (حجر، آیات ۱۹ و ۲۱)، معیشت انسان‌ها (حجر، آیات ۱۵ و ۲۰)، بهره و نصیب انسان‌ها (نبا، آیات ۳۲ و ۳۳) و مانند آن براساس تقدیر الهی است.

خداوند در آیه ۱۳ سوره اسراء به‌صراحت بیان می‌کند که تقدیر و رقم خوردن سرنوشت انسان، از جانب خداوند است. محمّدين مسلم از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) درباره سخن خدا در «و کلّ انسان الزّمنه طائره فی عنقه» روایت کرده است که فرمودند: کسی که قدرت دارد، سرنوشت او را رقم زده و تقدیر کرده است. (تفسیر عتاشی، ج ۲ ص ۲۸۴ ح ۳۲، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۴۴، حدیث ۱۰۶)
تدبیر در کنار تقدیر و توکل

اما آنچه گفته شد هرگز به معنای دست روی دست گذاشتن و به

امید تقدیر نشستن نیست؛ زیرا همین آموزه‌های قرآنی که این گونه از توحید افعالی و تقدیر امور سخن به میان آورده بر اصل تدبیر و حرکت انسانی تأکید می‌کند و انسان را به اقداماتی در جهت تحقق بخشیدن

انسان‌ها همان طوری که باید اهل تدبیر و برنامه‌ریزی در مسائل روزمره باشند، باید دارای برنامه‌ریزی‌های راهبردی و بلندمدت نیز باشند. از امام حسن مجتبی(ع) روایت است که فرمود: برای دنیایت چنان کار کن که گویی برای ابد زنده خواهی بود؛ و برای آخرت چنان کار کن که گویی فردا خواهی مرد.

تدبیری از سوی انسان انجام گیرد و این‌گونه نیست که تدبیر امور به معنای نفی تقدیر یا قول به شرک و نفی توحید افعالی باشد، بلکه تدبیر در سایه تقدیر و توکل و تقویض انجام می‌گیرد و این نوع رویکرد و حرکت عین توحید استست؛ زیرا برای هیچ کس و هیچ چیزی تاثیر استقلالی قائل نمی‌شود هر چند که به ظاهر علت قریب و تام باشد؛ زیرا این علت قریب و تام زمانی تاثیرگذار خواهد بود که تقدیر و اذن الهی به آن تعلق گرفته باشد و خداوند جلوی تاثیر علت را نگرفته باشد چه چنانکه آتش نمودیان جلوی تاثیر آتش و علت قریب و تام را گرفت و با آنکه آتش فروزان و سوزانی بود، نتوانست حضرت ابراهیم را بسوزاند.

بر ماست که در زندگی فردی و اجتماعی تدبیر و برنامه‌ریزی داشته باشیم و هرگز به توجیه تقدیر و سرنوشت و قضا و قدر و مانند آن دستت از پای نکنیم؛ برای آینده خود برنامه‌ای نداشته باشیم؛ بلکه باید برنامه‌ریزی و تدبیر در اصول زندگی ما حضور و حاکمیت داشته باشد و بدایتیم که الا انسان مدبر و الله مقدر؛ انسان تدبیر می‌کند ولی آنچه تحقق خواهد یافت همان تقدیر الهی است که به به حکمت است و خلاصه سخن همان است که نیاکان ما گفته‌اند: از تو حرکت از خدا برکت.

صفحه ۶
پنج‌شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۸
۱۶ شوال۱۴۴۰ – شماره ۲۲۲۱۳



چراغ راه

دگرگونی روزگار و شناخت انسان‌ها
قال الامام علی(ع): «فی تقلب الاحوال علم جواهر الرجال.
و الايام توضح لک السرائر الکامنة»

امام علی(ع) فرمود: در تغییر و گردش حالات (بلندی و پستی،توانگری و کمندستی و بیماری و گوه‌های مراد (عیب و هنر آنها) فهمیده می‌شود و روزگار نیت‌های پنهان را بران تو آشکار می‌سازد.^(۱)

۱- بخارالانوارج ۷۷، ص ۲۸۶

حضرت هود(ع) از قوم عاد و از پیامبرانی بود که برای دفاع از حق و کوبیدن شرک و دوگانه‌پرستی و مبارزه با فساد و تبهکاری قیام نمود و در این راه سختی‌های فراوانی را متحمل شد. قوم عاد نیز مردمی از عرب و انسان‌های ماقبل تاریخ بودند که در الجزیره سکونت داشتند. آنان دارای اجساد و قدم‌های بلند، بسط در خلقت و صاحب قدرت و قوت بودند. در شهرنشینی و تمدن دارای قدمت و ترقی بوده و شهرهای آباد، زمین بارور و دارای باغات خرما و کشاورزی بودند. در معرفی آنان همین بس که قرآن کریم درباره آنان می‌فرماید: «لم تر کیف فعل ربک بعد ارم ذات العماد التي لم یخلق مثلها فی البلاد»

ای رسول ما! آ ندیدی که خدای تو با قوم عاد چه کرد؟ و نیز به اهل شهر ارم که صاحب عظمت و قدرت بودند چگونه کيفر داد؟ در صورتی که مانند آن شهر در استحکام و بزرگی و تنعم، در بلاد عالم نبود. (فجر – ۶ تا ۸)

این قوم، با این همه نعمت و رفاه و آسایش، به جای شکر و سپاسگزاری از منعم، به شرک روی آوردند. به خاطر فخرفروشی و از روی هوا و هوس بر بلندی‌های زمین، قلعه‌ها و بناهایی مانند برج می‌ساختند به گونه‌ای که گویا همیشه در جهان خواهند ماند. حضرت هود(ع) هر چه بیشتر در هدایت و ارشاد آنان کوشش کرد کمتر نتیجه گرفت. آنان امتناع نموده، نبوت او را انکار کردند و به ایشان نسبت جنون و سفاهت دادند. از روی تمسخر به او می‌گفتند: از خدایت بخواه کسه در عذاب ما تمجیل نماید. پس خداوند بلا و عذابش را نازل فرمود و بدین‌وسیله همه را هلاک ساخت و گروهی که به او ایمان آورده بودند را به رحمت خود نجات داد.^(۱)

۱- بلاها و بلادیگان، فرج‌الله هدایت‌نیا منجی، مرکز اطلاع‌رسانی غدیر.



پریش و پاسخ

حکمت آزمایش‌های الهی برای جامعه(۱)
پرش:
آزمایش‌های الهی که یک سنت جاویدان برای حیات فردی و اجتماعی انسان به حساب می‌آید چه فواید و ثمراتی برای جامعه دارد؟
پاسخ:

آزمایش الهی یک سنت جاویدان
قرآن کریم در آیه ابتدایی سوره قصص می‌فرماید: آیا مردم گمان کردند همین اندازه که اظهار ایمان کنند و شهادت به توحید و رسالت پیامبر(ص) دهند و به حال خود واگذاره خواهند شد و امتحان نمی‌شوند بعد بلافاصله به ذکر این حقیقت می‌پردازد که امتحان یک سنت همیشگی و جاودانی الهی است و مخصوصا شما جمعیت مسلمانان نیست، بلکه سنتی است که در تمام امت‌های پیشین جاری بوده است. آن‌ها را نیز در کوره‌های سخت امتحان الهی آفکندیم، آن‌ها نیز همچون شما در فشار دشمنان ی‌رحم و جاهل و ی‌خبر و متمصب و بوجج قرار داشتند. آری همیشه میدان امتحان باز بوده و گروهی در این میدان شرکت داشته‌اند و در مقام نبوت و اثبات باید هم‌چنین باشند، چرا که در مقام ادعا هر کس می‌تواند خود را برترین مومن، بالاترین مجاهد و فداکارترین انسان معرفی کند باید وزن و قیمت و ارزش این ادعاها از طریق آزمون روشن شود. باید معلوم گردد، تا چه اندازه زیادت درونی و آمادگی‌های روحی با این گفته‌ها هماهنگ یا ناهماهنگ است؟ آری باید خدا بداند چه کسانی راست می‌گویند و چه کسانی دروغگو هستند(فایعلمن الله الذین صدقوا و فایعلمن الکاذبین). بدیهی است خدا همه این‌ها را می‌داند، حتی قبل از خلقت انسان‌ها، منظور از علم در این‌جا همان تحقق عینی مسائل و وجود خارجی آن‌ها است و به تعبیر دیگر ظهور آثار و شواهد عملی است، یعنی باید علم خدا درباره این گروه عملا در خارج پیاده شود، و تحقق عینی یابد، و هر کس آن‌چه را در درون دارد بیرون ریزد. دلیل این مسلیله نیز روشن است، زیر انبیا و تورات درونی و صفات باطنی تا در عمل انسان تحقق و عینیت پیدا نکنند، ثواب و جزا و کیفر مفهومی ندارند. بنابراین آزمایش‌های الهی نه برای شناخت افراد است بلکه برای پرورش و شکوفایی استعداها است.اگر ما آزمایش می‌کنیم برای کشف مجهولی است. اما اگر خداوند آزمایش می‌کند برای کشف مجهول نیست که عملش به همه چیز احاطه دارد، بلکه برای پرورش استعداها و به فعلیت رسانیدن قوه‌ها است.(تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۰۵)



سلوک عارفانه

تکبر، کل روح را متکبر و بیمار می‌کند
(بدان ای سالک راه خدا!)
وقتی انسان حالت خودبزرگ‌بینی در مقایسه با دیگران پیدا می‌کند، این طور نیست که خودبزرگ‌بینی (و تکبر) او نسبی (و جزئی) باشد. بلکه در این رابطه کل روح خودش را برتر می‌بیند... درست است که روح در یک رابطه خاصی (بماند: علم، ثروت، قدرت و...) این بیماری را پیدا کرده است؛ اما این بیماری طوری نیست که فقط در آن رابطه تاثیر بگذارد، (بلکه) روی کل روح اثر می‌گذارد. مجموعه روح، خودبین و خود بزرگ‌بین است. مثلا اگر کسی در رابطه با مال، حالت خودبینی پیدا کند، کل این روح خودبین است، نه اینکه با ثروتمند دیگری مواجه بشود... اگر به عبادت یک بیمار می‌رود... دلش می‌خواهد که حرف او مقدم باشد... چرا؟ چون پولدار است. در یک مرکز معنوی (مسجد) می‌رود که معیار معنویات است، دلش می‌خواهد که او را یک طور دیگری تحویل بگیرند. چرا؟ چون پول دارد... در هر کجا که می‌رود همین است.^(۱)

۱- اخلاق ربانی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)، ج ۷، ص ۵۶
صفحه معارف و روز‌های: شنبه، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۲۹۴۱۹۹۱ – ۳۲۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir